

## آداب و آثار انتقاد سازنده

### با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

غلامرضا خوشنیت\*

عباس شریفی\*\*

#### چکیده

یکی از اصول مهم و لازم در موفقیت فرد و جامعه، نگاه عدم رضایت به وضع موجود و تلاش برای رسیدن به شرایط مطلوب است. بدین منظور لازم است افراد جامعه در تمام سطوح، به نقاط ضعف و قوت خود شناخت داشته باشند. یکی از ابزارهای لازم جهت حصول این شناخت، به کارگیری انتقاد سازنده در جهت اصلاح و تحول است. مقام معظم رهبری به دفعات در بیانات خویش به طور حکیمانه موضوع انتقاد سازنده را مورد تأکید قرار داده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای آنرا مورد بررسی قرار داده است. نویسنده مقاله، پس از بیان مفهوم‌شناسی، اهمیت و ضرورت انتقاد سازنده، آداب آنرا از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام به بحث نهاده است که از جمله آن‌ها می‌توان به رعایت اخلاق اسلامی، پیشگامی در انتقاد از خود، موقعیت‌شناسی و درک صحیح اقتضائات موجود و انتقاد از کار نه شخصیت افراد اشاره کرد و همچنین آثار آنرا که شامل متذکر شدن انسان و اصلاح او، تحول مطلوب در جامعه به وسیله پویایی و نشاط ناشی از انتقاد، تبیین حقایق، روشن شدن اذهان، افزایش ضریب امنیت ملی، اجتماعی، شهروندی، ایجاد احساس هویت در مردم و پاسخ‌گو شدن مسئولین است را مورد بررسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: انتقاد سازنده، تخریب، تحول، اصلاح، آداب.

---

\* استادیار علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (r\_khoshneyat@yahoo.com)  
\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.

## مقدمه

انسان غیر معصوم با وجود نفس اماره، همواره در معرض اشتباه و خطا قرار دارد و عدم توجه و غفلت انسان از خطا و اشتباه خود، عامل مهمی برای رضایت از وضع موجود و عقب‌افتادگی و پس‌رفت انسان می‌گردد؛ بدین جهت است که در آموزه‌های دینی به مقوله نقد و انتقاد توجه زیادی شده است. انتقاد سازنده، سرمایه‌ای ارزنده برای اصلاح فرد و جامعه به شمار می‌رود. شناخت کاستی‌ها و تلاش برای زدودن آن‌ها، برای رسیدن به رستگاری فردی و اجتماعی، گامی اساسی است. پرده‌پوشی بر آنچه بوده و هست و رویدادها و یا خود را به نادانی زدن، رویدادها را دگرگون نمی‌سازد. انسان خردمند، همواره در جست‌وجوی آن است که در مسیر تکاملی فردی و جمعی، آفت‌ها، آسیب‌ها، کم‌وکاستی‌ها را بزدايد تا به‌درستی راه ببیماید؛ از این رو، انتقاد سازنده یکی از برتری‌های اخلاقی و اجتماعی مهم به شمار می‌رود. اگر فرهنگ انتقاد سازنده، به‌درستی بیان شود و آداب، ویژگی‌ها و مرزهای روا و ناروای انتقاد به‌روشنی ترسیم گردد، بسیاری از تنش‌ها و تشنج‌ها و کشمکش‌ها فروکش می‌کند و بسیاری از سستی‌ها و کاستی‌ها، زمینه ظهور نمی‌یابند. اگر افراد به این نتیجه برسند که با انتقاد سازنده افراد دلسوز و تیزبین، بالندگی فردی و توسعه و پیشرفت اجتماعی آنان، رشد و شتاب بیشتری می‌یابد و هیچ‌کس از تذکر و انتقاد دیگران بی‌نیاز نیست، فضای جامعه دگرگون شده و انتقادها جای انتقام‌ها را می‌گیرند. برای روشن‌تر شدن موضوع، به رهنمودهای روشن‌گر امام خامنه‌ای در این زمینه خواهیم پرداخت. در این نوشتار برآنیم، مقوله آداب و آثار انتقاد سازنده را از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام، تحلیل و واکاوی کرده، تا بتوانیم بی‌هیچ مانعی خود را در این برکه زلال ببینیم و درون خویش را بنگریم و به اصلاح خود و جامعه بپردازیم.

۱. ر.ک: اصول و روش‌های نقد از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه / محمد شعبانپور؛ ادب نقد و روش انتقاد از دیدگاه شهید مطهری / سیدمهدی موسوی؛ بررسی تأثیر بحث و گفتگو و نقد و انتقاد، از مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی / سحر رحیمی گرجان؛ نقد و بررسی انتقاد سازنده از دیدگاه سعدی و مقایسه آن با دیدگاه‌های صاحب‌نظران غربی / نصر اصفهانی علی، آقا حسینی حسین؛ نقد و انتقاد در ترازوی معرفت و فضیلت / عبدالله اصفهانی

## مفهوم‌شناسی انتقاد

«انتقاد» از مصدر باب افتعال و از «نقد» گرفته شده است. «نقد» واژه عربی است که وارد زبان فارسی شده و با همه اجزای زبانی و فرهنگی ما به خوبی گره خورده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۳۸۳). این واژه، در زبان عربی و فارسی دارای معانی گوناگونی است؛ از جمله، «جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره، تمییز دادن خوب از بد، آشکار کردن معایب و محاسن سخن و تشخیص معایب از محاسن» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۱۱۸ و ۱۱۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳: ۴۲۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۵۲؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۳۸۳).

انتقاد در اصطلاح به معنای قول یا عملی است که عامل آن با انجامش قصد هدایت و اصلاح دیگری را داشته باشد؛ از این رو انتقاد به همراه واژگانی مانند اعتراض، موعظه، نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر در یک خانواده معنایی قرار می‌گیرند. مقام معظم رهبری علیه السلام نیز انتقاد را به عیار سنجی، دیدن خوب و بد، دیدن نقاط ضعف و نقاط قوت در کنار همدیگر، علت‌یابی نقطه‌ضعف‌ها و جمع‌بندی آن‌ها به جهت رفع ضعف‌ها تعریف کرده‌اند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571>). ایشان می‌فرمایند: «انتقاد، به معنای ارائه نقاط مشکل و راه‌حل آن نقاط و گشودن آن گره‌هاست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34162>). انتقاد در بیانی دیگر از ایشان یعنی فهرست کردن نقاط مثبت و منفی و تبدیل منفی‌ها به مثبت‌هاست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3227>).

## اهمیت و ضرورت انتقاد از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری ارزش انتقاد مصلحانه و نصیحت مشفقانه را هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی غیرقابل‌انکار می‌دانند. در حوزه فردی ارزش انتقاد از خود را تا جایی می‌دانند که آن را اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی دانسته و آن را به‌عنوان یک تکلیف شرعی معرفی می‌کنند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3098>) و در حوزه اجتماعی نیز همچنان که حضرت علی علیه السلام انتقاد مشفقانه را از جمله حقوق حاکم اسلامی بر مردم می‌دانند (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)، آن را از ضروری‌ترین نیازهای اجتماعی معرفی کرده‌اند. مقام معظم رهبری در این زمینه اظهار می‌دارد: در نظام اسلامی ... رسم و سنت انتقاد و نصیحت مشفقانه به مسئولین، یکی از مواهب الهی و مفاخر اسلامی و مایه رشد و ارتقاء و پیشرفت امور و مصداق بارز فریضة امر به معروف است

و باید در جامعه بماند و توسعه و کیفیت بیاید ... (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2460>).

ایشان همچنین می‌فرمایند:

خدا را شکر می‌کنیم که فضای کشور ما بر اثر نظام اسلامی، فضای آزادی است؛ فضای بازی است؛ مردم فرصت دارند، می‌توانند حرفشان را بزنند، نخبگان هم می‌توانند حرف بزنند. مردم هم استماع می‌کنند، می‌شنوند و حرف‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کنند و آنچه به نظرشان حق است، می‌پذیرند و قبول می‌کنند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3813>).

## ۱. انواع انتقاد از دیدگاه مقام معظم رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری انتقادات همیشه به یک‌صورت نیست؛ برخی از آن‌ها با هدف تخریب و برخی به منظور اصلاح است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019>)؛ بنابراین می‌توان انتقاد را از جهت نیت انتقادکننده و نتیجه‌ای که به همراه دارد، به دودسته تقسیم‌بندی کرد:

### ۱.۱. انتقاد سازنده (خیرخواهانه)

انتقاد سازنده به انتقادی گفته می‌شود که به نیت برطرف کردن نقاط ضعف و شناسایی و قوت یافتن حق و با هدف انجام بهتر امور، پیشرفت، سازندگی و رسیدن به کمال مطلوب انجام می‌گیرد. از نظر مقام معظم رهبری، شرط اصلی در خیرخواهانه بودن انتقاد، آن است که منتقد به دنبال خشونت و شایعه‌پراکنی، برهم زدن امنیت جامعه و دروغ‌پراکنی، تفرقه و تضعیف طرف مقابل نباشد و در چارچوب اصول (اهداف و آرمان‌های اسلام و نظام اسلامی و حضرت امام خمینی علیه السلام) حرکت کند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>). این انتقاد، همان انتقاد مورد قبول است. این نوع انتقاد، بیشتر از سوی دوستان و حتی کسانی که دوست نیستند؛ اما دشمنی آن‌ها هم اثبات نشده، بیان می‌شود و انسان مؤمن با سینه گشاده (سعه صدر)، روی باز و گوش شنوا باید با آن برخورد و به آن ترتیب اثر بدهد:

نقدهای مصلحانه، خیرخواهانه گاهی از سوی دوستان شماست، گاهی حتی از سوی کسانی است که دوست شما و طرفدار شما هم نیستند؛ گاهی این‌جوری است. به انسان یک نقدی می‌شود... آن‌را هم حتی باید گوش کرد. شاید در خلال این نقدها حرفی وجود داشته باشد که به درد ما بخورد و باید به‌رحال با سعه صدر برخورد بشود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019>).

## ۱.۲. انتقاد تخریبی

انتقاد تخریبی به انتقادی گفته می‌شود که انتقادکننده، واقعیت و غیر واقعیت و خلاف واقع و ضد واقع را به هم می‌آمیزد و از حق و حقیقت دور می‌شود و نتیجه آن چیزی جز تخریب نخواهد بود. از جمله گروه‌ها و سازمان‌هایی که به این نوع انتقادها دامن می‌زنند، می‌توان به بعضی از مطبوعات داخلی و به رسانه‌های بیگانه عمومی و بین‌المللی اشاره کرد:

بعضی‌ها (انتقادشان) ... به قصد تخریب است؛ هم از مجموعه مطبوعات خودمان، هم پشتوانه آن‌ها ده‌ها رادیو و تلویزیون بیگانه و رسانه عمومی و بین‌المللی در اختیار حرف‌ها و افکاری هست که بنایش بر تخریب است؛ ... لذاست که واقعیت و غیرواقعیت و خلاف واقع و ضد واقع، همه‌چیز را داراست. گاهی یک چیز کوچک را بزرگ می‌کنند، گاهی یک چیزی که نبوده، به‌عنوان یک حقیقت مسلم جلوه می‌دهند. این‌ها البته هست. این، تخریب است.  
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8019>)

با توجه به این بیان می‌توان از ویژگی‌های انتقاد تخریبی، به آمیخته بودن واقعیت و غیر واقعیت، جلوه دادن غیرواقعیت به‌عنوان یک حقیقت مسلم و بزرگ جلوه دادن ضعف کوچک اشاره کرد. البته قابل ذکر است که برخی از افراد به دنبال انتقاد مخرب نیستند؛ اما به دلایل گوناگونی مانند عدم توجه و شناخت نسبت به زمان و مکان و نحوه انتقاد، نتیجه انتقاد آن‌ها با انتقاد مخرب یکی خواهد شد؛ لذا باید در این مورد دقت لازم به کار گرفته شود.

## ۲. آداب انتقاد سازنده

منظور از آداب انتقاد سازنده، چهارچوب‌های اخلاقی است که پذیرش و اثربخشی انتقاد را تضمین کرده و انسان را از قرار گرفتن در وادی گناه دور می‌کند.

### ۱. رعایت اخلاق اسلامی در انتقاد

انتقاد سازنده به معنای واقعی کلمه، برای رفع نایسته‌ها و ایجاد یا تقویت بایسته‌ها در صورتی محقق می‌شود که ضوابط و اصول اخلاقی کاملاً رعایت شود. انتقاد، مخالفت، بیان آزادانه عقاید، هیچ اشکالی ندارد؛ اما باید دور از هتک حرمت، اهانت، فحاشی و دشنام باشد. آنچه مسلم است، این‌که، همه در این زمینه مسئول‌اند. این امر، علاوه بر این‌که فضای جامعه را آشفته می‌کند و روان آرام جامعه را دچار تشنج می‌کند، خدای متعال را هم از ما خشمگین می‌کند.

من می‌خواهم این پیامی باشد به همه آن کسانی که یا حرف می‌زنند، یا می‌نویسند؛ چه در مطبوعات، چه در وبلاگ‌ها. همه این‌ها بدانند، کاری که می‌کنند، کار درستی نیست. مخالفت کردن، استدلال کردن، یک فکر سیاسی غلط یا یک فکر دینی غلط را محکوم کردن، یک حرف است، مبتلا شدن به این امر خلاف اخلاق و خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی، یک حرف دیگر است؛ ما این دومی را به‌طور کامل و قاطع نفی می‌کنیم؛ نباید این کار انجام بگیرد. متأسفانه بعضی این کار را می‌کنند. من به‌خصوص به جوان‌ها توصیه می‌کنم. بعضی از این جوان‌ها بلاشک، مردمان با اخلاص و مؤمن و خوبی هم هستند؛ اما خیال می‌کنند این وظیفه است؛ نه من عرض می‌کنم این خلاف وظیفه است، عکس این وظیفه است. البته از نفوذها، از اغواهای شیطانی دشمنان، از دخالت‌های دشمنان هم نباید غفلت کرد. همان‌طور که امام بارها می‌فرمودند، گاهی این جور افراد وارد اجتماعات پرشور و مؤمن و مخلص می‌شوند و آن‌ها را به یک سمتی و یک حرکتی می‌کشاند؛ از این هم نباید غفلت کرد؛ هم غفلت‌های ناشی از احساساتی شدن، هم ناشی از ندیدن دست‌های دشمن؛ بنابراین من به‌خصوص از جوان‌ها می‌خواهم که نگذارند این فضای غیبت و تهمت و فحاشی و هتاک و شکستن حرمت‌ها ادامه پیدا کند. وقتی که ادامه پیدا کرد، طبعاً همان‌طور سرایت هم می‌کند - مثل بیماری مسری - ناگهان می‌بینید مثلاً در نمازهای جمعه که محل خشوع و ذکر و توجه است، یک چنین چیزهایی گاهی احياناً دیده می‌شود که غلط اندر غلط است. چنان‌چه انسان آن خطیب نماز جمعه را قبول ندارد، خب، اصلاً پای خطبه‌اش نمی‌نشیند، به او اقتدا هم نمی‌کند، می‌آید بیرون. یا حتی گاهی اوقات در درس‌ها، در محیط‌های علمی و درسی از این چیزها دیده می‌شود؛ که این‌ها غلط است، مضر است و مخالف مصلحت انقلاب است؛ این‌ها همان ضربه زدن و شکاف ایجاد کردن و ترک‌دار کردن هیئت عظیم و شفاف و باشکوه نظام اسلامی است که دارد با قدرت حرکت می‌کند و پیش می‌رود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3082>).

هدف در انتقاد باید کمال و اصلاح امور باشد و این مهم، جز با نیتی الهی و خیرخواهانه امکان‌پذیر نیست. چنین نقدی می‌تواند منشأ پیشرفت و تکامل فرد و جامعه شود، بر این اساس مقام معظم رهبری علیه‌السلام، حضرت امام خمینی رحمته‌الله را به‌عنوان یک مرد الهی که قیام، انتقاد، سکوت، قلم، دوستی و دشمنی‌اش برای خدا بود، معرفی می‌کند و از مسئولان می‌خواهد که در انتقاد، اقدام، دوستی و دشمنی‌شان، از امام الگو بگیرند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>).

از نظر مقام معظم رهبری، از دیگر اصول اخلاقی مورد توجه در انتقاد، پرهیز از کینه به دل گرفتن است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

انتقاد باید مثل مباحثه‌های طلبگی باشد؛ یعنی سر یک مسئله‌ای دعوا کنند؛ اما کینه به دل نگیرند، بعد پهلوی هم بنشینند و با هم صحبت کنند. نگذارند اختلاف به تنازع برسد  
(<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3186>)

همچنین ایشان درباره‌ی دوری از غیبت در انتقاد می‌فرمایند:

در انتقاد، انسان باید مواظب باشد دچار غیبت نشود؛ البته انتقاد منطقی، گفتن حرف صحیح این قدر حرف‌های آشکار وجود دارد که انسان اگر ذکر آن‌ها را بکند، اصلاً هم غیبت نیست و می‌تواند انسان نقد بکند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10770>).

منطق قرآن و دستور خداوند متعال به موسی و هارون علیهم السلام در این زمینه، باید راهنمای هر مسلمانی باشد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهِ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ اما به نرمی با او (فرعون) سخن بگویند؛ شاید متذکر شود، یا (از خدا) بترسد!» (طه: ۴۴).

قرآن کریم حتی در مقام انتقاد نسبت به مشرکان که بت می‌پرستند، دشنام دادن به آن‌ها را نادرست شمرده و مؤمنان را از این کار نهی کرده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...؛ (به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل خدا را دشنام دهند» (انعام: ۱۰۸).

مقام معظم رهبری علیه السلام انتقاد بدون در نظر گرفتن این اصول را قاطعانه نفی می‌کند و می‌فرمایند:

تذکر دادن هیچ اشکالی ندارد؛ اما این تذکر بایستی جوری باشد که اعتماد عمومی را از کسانی که مسئول‌اند و مشغول کارند، سلب نکند؛ تذکر دادن باید جوری باشد که موجب بی‌اعتمادی عمومی نشود، اهانت وجود نداشته باشد و روش‌های خشم‌آلود وجود نداشته باشد؛ همه با برادری اسلامی به مسئله ارتباط میان دولت و ملت نگاه کنند و با آن شیوه رفتار نکنند. البته این طرفینی است. من، هم به مردم این توصیه را عرض می‌کنم که با دولت بایستی مهربانانه و با نگاه همراهی و همدلی سخن گفت، هم به مسئولان کشور - در سه قوه - این را تأکید می‌کنم که آن‌ها هم باید با منتقدین خود و با کسانی که از آن‌ها انتقاد می‌کنند، رفتار مناسبی داشته باشند، آن‌ها را تحقیر نکنند، به آن‌ها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29236>).

علت مردود بودن چنین انتقادی آن است که انتقاد بدون در نظر گرفتن این اصول، باعث آشفته شدن فضا و به هم ریختگی اعصاب آرام اجتماع و در نتیجه تفرقه و از بین رفتن اتحاد در جامعه اسلامی می‌شود. همان وحدتی که انبیا و اولیاء الهی در طول تاریخ به خاطر آن زحمات زیادی کشیده‌اند. مسلماً افرادی که به دنبال تفرقه باشند، مورد خشم الهی قرار خواهند گرفت. ایشان از جمله عواملی که باعث عدم رعایت اخلاق اسلامی در انتقاد می‌رود را غفلت ناشی از احساسات و دخالت‌های دشمن و اغواهای شیطانی دانسته‌اند و مواضع «درست گرفتن، حرف درست زدن، تحت تأثیر خبرهای دروغ قرار نگرفتن، احساساتی نشدن، با یک خبر همه چیز را زیر سؤال نبردن» را از وظایف اصلی منتقد بیان کرده‌اند.

در روایتی «مفضل بن عمر» می‌گوید:

من در کنار قبر پیغمبر ﷺ بودم و در عظمت مقام ایشان می‌اندیشیدم؛ ناگهان ابن‌ابی‌العوجاء وارد شد و در گوشه‌ای نشست، به طوری که سخنش را می‌شنیدم. هنگامی که دوستانش اطراف او جمع شدند، بسیار شیطنت‌آمیز و حساب‌شده، سخنان کفرآمیزی گفت که نتیجه آن انکار نبوت محمد ﷺ و از آن بالاتر انکار خداوند تبارک و تعالی بود. من از شنیدن سخنان او سخت خشمگین و ناراحت شدم. برخاستم و فریاد زدم: ای دشمن خدا! چرا راه الحاد پیش گرفتی و خداوندی که تو را در بهترین صورت آفرید انکار کردی؟ ابن‌ابی‌العوجاء رو به من کرد و گفت: تو کیستی؟ اگر از دانشمندان علم کلام هستی، دلیل بیاور تا از تو پیروی کنیم و اگر از دانشمندان نیستی سخن مگو و اگر از پیروان جعفر بن محمد صادق هستی، او این چنین با ما سخن نمی‌گوید و مانند تو برخورد نمی‌کند. او از این بالاتر از ما شنیده است، هرگز به ما فحش و ناسزا نگفته، در پاسخ به ما راه خشونت و تعدی نیموده، او مردی بردبار، عاقل، هوشیار و متین است که هرگز سبک‌سری دامن‌گیرش نمی‌شود. او به خوبی به سخنان ما گوش فرا می‌دهد، حرف‌های ما را می‌شنود و از دلایل ما آگاه می‌شود، هنگامی که تمامی حرف‌های خود را زدیم و گمان کردیم که ما بر او پیروز شدیم، بامتانت شروع به سخن می‌کند، با جمله‌های کوتاه و سخنانی فشرده، تمام دلایل ما را پاسخ می‌گوید و بهانه‌های ما را قطع می‌کند؛ آن‌چنان که قدرت بر پاسخ گفتن نداریم. اگر تو از یاران او هستی، این چنین با ما سخن بگو (قوجیل، ۱۳۸۰: ۴۲).

## ۲.۲. پیشگامی در انتقاد از خود

یکی از مهم‌ترین اصول در انتقاد، پیشگامی در نقد کار خود، قبل از انتقاد دیگران است؛ یعنی انسان با نگاه انتقادی به کار خود نگاه کند. بسیاری از ما در دیدن عیب و نقص دیگران ریزبین و



دقیق هستیم؛ اما از عیب و نقص خود و کار خود غفلت می‌کنیم؛ درحالی‌که ناقد باید ابتدا از خود شروع کند و به اصلاح کار خود بپردازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يَصْلِحْ غَيْرَهُ؛

کسی که خود را اصلاح نکرده باشد؛ نمی‌تواند دیگری را اصلاح کند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۸۹۰).

مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید:

اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آن‌ها داشته باشد. این از عهده خود ما برمی‌آید و این تکلیفی بر دوش ماست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3097>).

ایشان در دیدار جمعی از شعراء، بحث انتقاد از خود را مطرح و خطاب به آن‌ها یکی از راه‌های کامل شدن شعرشان را انتقاد از کار خود معرفی می‌کند ([http://farsi.khamenei.ir/speech-](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8001) content?id=8001)؛ بنابراین پیشگامی در انتقاد از خود علاوه بر این که به اصلاح و کامل شدن کار انسان و فراهم شدن زمینه، جهت پذیرش انتقاد دیگران در خود می‌شود، می‌تواند عامل مهمی جهت انتقادپذیری دیگران شود؛ چراکه ما با عمل خود (انتقاد از کار خود و پذیرش انتقاد دیگران) به دیگران انتقادپذیری را می‌آموزانیم و مصداق روایت امام صادق علیه السلام خواهیم شد که می‌فرماید: *كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ، لِيُرُوا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَالْاِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْغَيْرَ، فَاِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛* دعوت‌کننده مردم باشید با غیر زبان‌هایتان تا ورع و اجتهاد و نماز و کار خیر را از شما ببینند، همانا این سازنده دیگران هست (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۸).

اگر افراد واقعاً، به قصد اصلاح و رفع نقایص، به نقد اندیشه‌ها یا رفتارهای دیگران بپردازند، بهتر است از خود شروع کنند و پیش از هر کس دیگری، شروع به اصلاح و نقد خود کنند (شریفی، ۱۳۹۱: ۹۷) و باید دانست که هیچ کس از نقد، مبرا نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اَلْعَاقِلُ مَنْ اَتَهَمَ رَايَهُ وَ لَمْ يَتَّقِ بِكُلِّ مَا تُسَوَّلُ لَهُ نَفْسُهُ؛ خردمند کسی است که نظر خود را متهم کند و به آنچه نفسش وسوسه می‌کند، اعتماد نداشته باشد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۵، ج ۸: ۳۸۹۱).

با توجه به تعبیر «اتَّهَمَ رَأْيَهُ» مؤمن باید برای اندیشه‌های خود، دادگاه تشکیل دهد و از صاحب‌نظران بخواهد که درباره افکار او داوری کنند. در تعبیری دیگر، این ضرورت را آن امام بزرگوار چنین ترسیم فرموده است:

حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأَى الْفَضْلَاءِ وَيَضُمَّ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ؛ شایسته است که انسان عاقل [با نظرخواهی و نقد و بررسی]، رأی اندیشمندان را بر نظر خود بیفزاید و دانش حکیمان را ضمیمه دانش خود سازد (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۳).

در قرآن کریم نیز این اصل انتقاد، مورد توجه قرار گرفته است:

اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی (و ایمان) به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می‌کنید؛ اما خودتان را فراموش می‌نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید! آیا نمی‌اندیشید؟! (بقره: ۴۴).

### ۲.۳. موقعیت‌شناسی و درک صحیح اقتضائات موجود

همه انتقادهای حتی انتقاد منصفانه و به‌حق را نمی‌توان همه‌جا و به هر صورت انجام داد؛ بلکه باید با رعایت موقعیت افراد و در نظر گرفتن نتیجه احتمالی آن باشد. بعضی از انتقادهای چه به‌حق و چه به‌ناحق اگر به‌صورت عمومی بیان شود، باعث از بین رفتن وجهه افراد، ریختن آبرو، تحقیر شخصیت انتقاد شونده، دل‌شکستگی مردم و باز شدن راه برای سوءاستفاده دشمنان می‌شود و اثرات سوئی که این انتقاد خواهد داشت، از عدم انجام آن بیشتر خواهد بود. پس باید با در نظر گرفتن مصالح افراد و جامعه و درک صحیح اقتضائات، انتقاد را به بهترین شکل ممکن مثلاً خصوصی (تذکر پنهانی) و یا رساندن به گوش کسانی که می‌توانند مشکل را حل کنند، بیان شود. در انتقاد باید متوجه باشیم که ضربه زدن به حرمت افراد، گناهش از شکستن حرمت کعبه بیشتر است؛ چراکه به فرموده امام صادق علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ؛ شرافت و احترام مؤمن از احترام کعبه، بیشتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵: ۱۶).

مقام معظم رهبری در انتقادهایی که از دولتمردان می‌شود به این نکته اشاره دارند که همه انتقادهای را همه‌جا نمی‌توان گفت؛ حتی انتقاد منصفانه و به‌حق. انتقاد چه از نوع غیرمنصفانه (ناحق) و حتی منصفانه (به‌حق) به‌صورتی که باعث ناکارآمدی کارگزاران نظام اسلامی شود، آن هم به‌صورت عمومی و دادوبیداد که باعث دل‌شکستگی مردم شود، درست نیست. این نوع

انتقادهای باید به صورت خصوصی به گوش مسئولانی که می‌توانند اثرگذار باشند، رسیده شود. اگر عمومی شد، آن وقت تبلیغات آن‌را چند برابر می‌کند و بار سنگینی بر دوش مردم می‌شود و تبدیل به گله‌گذاری‌های افراطی می‌شود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3355>). ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند:

البته هر دولتی منتقدینی دارد، این دولت هم منتقدینی دارد، دولت‌های قبلی هم هر کدام انتقادکنندگانی داشتند؛ تا اینجای قضیه هیچ اشکالی ندارد. کسانی هستند که این را قبول ندارند، این رفتار را قبول ندارند، این حرف را قبول ندارند، این سیاست را قبول ندارند؛ این‌ها منتقدند و انتقاد می‌کنند، مانعی ندارد؛ اما انتقادهای باید در چهارچوب منطقی باشد. خود بنده هم به دولت‌های گوناگون انتقادهایی داشتم، این انتقادهای را همواره هم تذکر داده‌ام، در هیچ موردی از آنچه به نظر من عیب بوده و جای انتقاد بوده است، از تذکر خودداری نکردم؛ منتها این تذکرات را در وضع مناسب و در موقعیت مناسب و با شکل مناسب دادیم؛ یا پیغام دادیم، یا حضوری گفتیم، یا اصرار کردیم» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29236>).

#### ۲.۴. انتقاد از کار نه شخصیت افراد

یکی از شگردهای جبهه دشمن، انتقاد از وضع موجود است. چون می‌دانند طبیعت انسان از انتقاد خوشش می‌آید، می‌خواهد یکی را پیدا کنند و به انتقاد از او بپردازند. معلوم هم هست که آن‌ها برای موردانتقاد قرار دادن، چه کسانی را انتخاب می‌کنند: مسئولین و اصل نظام را. منتها اگر جرئت نکردند به انتقاد از اصل نظام بپردازند، به اشخاص نظام و سیاست‌های آن حمله می‌کنند. ما چرا این کار را بکنیم؟ ما اگر می‌خواهیم انتقاد کنیم، خیلی موارد و مسائل هست که می‌شود از آن‌ها انتقاد کرد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12893>).

محبت به خطاکار و انتقاد از خطا را باید از خدا بیاموزیم که به فرموده مولای متقیان، خداوند متعال، بنده را دوست دارد؛ اما کردار بدش را دشمن است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). انبیا و مصلحان بزرگ هم در مواجهه با مشرکان و خطاکاران، عمل آن‌ها را انکار و از آن براءت می‌جستند؛ نه از خود آن‌ها. حضرت ابراهیم علیه السلام به مشرکان فرمود: «إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ من از شرک شما براءت می‌جویم» (انعام: ۷۸).

و حضرت لوط علیه السلام به آن مردم بدکاره فرمود: «إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْفَالِئِينَ؛ من بی‌تردید دشمن این

عمل شما هستم» (شعراء: ۱۶۸).

جالب این که لوط عَلَيْهِ السَّلَام می گوید:

من دشمن اعمال شما هستم، یعنی عداوت و خرده حسابی با شخص شما ندارم، عملتان ننگین است، اگر این اعمال را از خود دور کنید، من دوست صمیمیتان خواهم بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۲۴).

### ۳. آثار انتقاد سازنده از دیدگاه مقام معظم رهبری

#### ۳.۱. متذکر شدن انسان و اصلاح او

انتقاد عامل ضروری رشد و اصلاح فرد و جامعه است و گریزی از آن نیست؛ این گونه نگرش به انتقاد، آن را از یک شرّ اجتناب ناپذیر، به خیری ضروری و هدیه‌ای الهی تبدیل می‌کند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید که: «انتقاد در واقع هدیه کردن عیوب دیگران به خودشان است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3076>). اگر پذیرفته شود که کمال فردی و اجتماعی انسان‌ها در گرو انتقاد است، آنگاه می‌توان به جای گریز از آن، چون داروی تلخی آن را نوشید، آن را چنان هدیه‌ای گرمی داشت و از آن بهره‌مند گشت. چنین نگرشی است که انتقاد را زمینه‌ساز سعادت جامعه می‌داند. بی‌گمان، نقد به‌عنوان عاملی اصلاحی و پیش‌برنده و بالنده، به برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران و مجریان، مجال بازنگری، همه‌سونگری و واقعیت‌نگری می‌بخشد و جلوی بسیاری از ریزش‌ها و دوباره‌کاری‌ها و تکرورهای را می‌گیرد و در نتیجه، طرح‌ها را در راستای سوددهی و بهره‌مندی بهتر و بیشتری قرار می‌دهد و از اسراف‌ها و اتلاف‌ها و گاه از ریخت‌وپاش‌های حاشیه‌ای و جانبی نیز جلوگیری می‌کند.

جدا کردن سره از ناسره و نشان دادن خوبی‌ها و درستی‌ها به هدف هدایت به سوی کمال و اصلاح امور انجام می‌شود. چنین نقدی خیرخواهانه و سازنده است و باعث پیشرفت و تکامل فرد و جامعه می‌شود. تمام نقدهایی که در قرآن مجید و نهج البلاغه وجود دارد، با همین هدف هستند. تعداد زیادی از انسان‌ها به دلایل گوناگون در وادی نفسانیات غرق می‌شوند و متوجه گمراهی خود هم نیستند، اینجاست که انتقاد سازنده به‌عنوان تذکر به سراغ انسان می‌آید و او را متوجه راه و بیراهه کرده و انسان را از آن بیرون می‌آورد. بر این اساس می‌توان گفت، انتقاد عاملی مؤثر برای مهار نفس و دوری از خودشیفتگی است. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

یکی از فرصت‌هایی که برای انسان به جهت اصلاح می‌تواند فراهم شود انتقاد است. ما باید انتقادهایی را بشنویم تا شاید خداوند به ما فرصت اصلاح بدهد و لازمه آن این است که به انتقاد به‌عنوان تذکر و نصیحت نگاه کنیم و با توجه به آن انتقاد به دل خود بپردازیم، در غیر این صورت دچار خودشیفتگی و غرور و غفلت می‌شویم. وضع و هدف این جلسه ما در این سال‌های مستمر، بر تذکر است. من به خودم که نگاه می‌کنم، می‌بینم به تذکر و نصیحت احتیاج دارم؛ قیاس به‌نفس می‌کنم؛ فکر می‌کنم؛ ما مسئولان - در رده‌های مختلف - احتیاج داریم که به گوش جسم و دل، نصیحت‌ها، تذکرات، عیب‌جویی‌ها و انتقادهایی را بشنویم تا شاید خداوند متعال به ما فرصت اصلاح بدهد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3344>).

### ۳.۲. تحول مطلوب در جامعه به‌وسیله پویایی و نشاط ناشی از انتقاد

مقام معظم رهبری انتقاد سازنده را عامل اصلاحی پیش‌برنده و بالنده به جامعه مطلوب و عاملی مهم جهت جلوگیری از ریزش‌ها و دوباره‌کاری‌ها می‌داند که طرح‌ها را در راستای بهره‌مندی بهتر همراه بانشاط و امید به‌پیش می‌برد: «هم انتقاد خوب است، هم انتقادپذیری. این‌ها لازمه آن تحول و حالت مطلوب جامعه است؛ انتقاد باعث پویایی و نشاط که لازمه تحول مطلوب در جامعه و پیشرفت است، می‌شود» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>). تحول در جوامع انسانی یک سنت لایتغیر الهی و رمز تعالی و ماندگاری بشر است. بر اساس آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) کلید تحولات اجتماعی چه در پیشرفت و چه در پسرفت، به دست آحاد انسانی و عزم انسان است. نقد منصفانه، به تقویت دستگاه و نظام کمک می‌کند؛ لکن این نباید با مناقشات و گفتگوها و بگومگوهای لفظی اشتباه شود (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3247>).

مقام معظم رهبری در بیان خصوصیات دانشجوی انقلابی چند خصلت و ویژگی را مطرح می‌کنند که یکی از آن‌ها داشتن زبان نقادی و طلبکارانه است. ایشان می‌فرمایند:

مبادا کسی تصور کند که اگر این زبان انتقادی حتی یک‌کمی تلخ هم باشد، حالا بنده که اینجا نشسته‌ام، ناراحت خواهم شد، نه؛ اتفاقاً خود این زبان انتقادی هم برخاسته از همان نگاه و توقعات آرمانی است؛ راضی نبودن به آنچه داریم، معنایش میل و گرایش رسیدن به آن چیزی است که نداریم و این درست همان چیزی است که ما می‌خواهیم؛ بنابراین هم «فکر نو»، هم «نگاه و توقعات آرمانی» و هم «زبان ویژه برخاسته از آن نگاه» را داشته باشید؛ این‌ها چیزهای خوبی است؛ و اگر این خصوصیات محفوظ بماند، آن‌وقت جوان دانشجو نقش موتور

را در یک قطار ایفا خواهد کرد؛ به حرکت درآورنده، پیش‌برنده و جهت دهنده خواهد بود؛ و آلا اگر جوان‌ها هم به وضع موجود - یعنی آنچه هست - قانع و راضی باشند، دیگر پیشرفتی متصور نخواهد بود؛ باید دائم بخواهند به نقاطی که دست نیافته‌اند، دست پیدا کنند (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3357>).

یکی از عوامل بسیار مهم تحول مطلوب در جامعه، تولید علم است که مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی در اهمیت نقش انتقاد در تولید علم و تمدن‌سازی چنین می‌فرمایند:

آزادی، مناظره و نقد و انتقاد از کلیدهای جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی است. آزادی خواهی و انتقاد (مطالبه‌گری) به همراه ادب و اخلاق یکی از مطالبات اسلامی است و آزادی تفکر، بیان و قلم از اهداف انقلاب اسلامی است. بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج‌ومرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. به نظر می‌رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل (۱) کرسی‌های نظریه‌پردازی؛ (۲) کرسی‌های پاسخ به سؤالات و شبهات و (۳) کرسی‌های نقد و مناظره، روش‌هایی عملی و معقول باشند و خوب است که حمایت و مدیریت شوند؛ به‌نحوی که هرچه بیشتر، مجال علم، گسترش یافته و فضا بر دگان‌داران و فریب‌کاران و راهزنان راه علم و دین، تنگ‌تر شود.

آری، نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی، تبدیل کرد؛ چنان‌چه نباید به‌جای مناظره، به «جدال و مراء»، گرفتار آمد و به‌جای آزادی، به دام هتاک‌ها و مسئولیت‌گریزی لغزید. آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه یک‌جا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است. بی‌شک آزادی خواهی و مطالبه فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، یک مطالبه اسلامی است و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه یک شعار تبلیغاتی؛ بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است. من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گویی و کفر گوئی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر یک از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آن‌که انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سر جنبانیدن

و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهار و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضائی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ‌چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رایج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=8290>).

### ۳.۳. افزایش ضریب امنیت ملی، اجتماعی، شهروندی

انتقاد سازنده از جهت سیاسی، مردم‌سالاری و نظارت از پایین را تقویت می‌کند و از جهت اجتماعی، از جمله زیرساخت‌های جامعه مدنی است. انتقاد سازنده، راه رشد افراد فرصت‌طلب را می‌بندد؛ زیرا معایب آن‌ها را آشکار می‌کند؛ و از این‌رو به شایسته‌سالاری دامن می‌زند. اگر در جامعه‌ای مسئولان، در معرض انتقاد سازنده مردم، در همه ابعاد باشند و نقدپذیران نیز از انتقادات آن‌ها استقبال کنند و به رفع نواقص خود بپردازند، این تعامل دوسویه مردم و دولتمردان، ضریب امنیت ملی، اجتماعی و شهروندی را بالا می‌برد. امام خامنه‌ای در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی فرمودند:

هیچ دستگاهی نباید خود را از انتقاد و نقد مصون و از عیب خالی بداند؛ همه دستگاه‌های کشور باید موردنقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چهارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه قضاییه و سایر دستگاه‌هایی که در کشور هستند و مسؤولیت‌های مهمی بر دوش آن‌ها است، همه مشمول این قاعده کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخگویی. این، معنای حقیقی اصلاح نظام موردنظر اسلام است که «إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»؛ پیغمبران این را می‌فرمودند. همه کار پیغمبران عبارت بود از این که تا می‌توانند اصلاح کنند؛ یعنی فساد را در کشور از بین ببرند؛ این معنای اصلاح واقعی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3227>).

به مدد انتقاد سازنده می‌توان تصمیمات کلی و کلان اجتماعی را قبل از اجرا بهبود بخشید و اصلاح کرد. جامعه‌ای که به بحث و مخالفت نقادانه، مجال بروز می‌دهد، مسلماً در حل مسائل و معضلات عملی مربوط به سیاست اجتماع، موفق‌تر و اثرگذارتر از جامعه‌ای است که چنین خصوصیتی را ندارد. حذف خطا بهترین راهکار رسیدن به جامعه بهتر و حل تدریجی مسائلی است که جامعه گرفتار آن‌ها است؛ همچنان که پیشرفت علم نیازمند نقد مستمر است، در سیاست و جامعه نیز راه رشد و توسعه در آزادی انتقاد و عرضه پیشنهادها و ارائه راه‌حل‌های

گوناگون و حل مسائل، برای ایجاد تغییر بر اساس آن‌ها است. سیاست‌های دولت همچون فرضیاتی تلقی می‌شود که باید مداوم در معرض چک و اصلاح قرار بگیرند. سیاست‌گذاری، ذاتاً متضمن تبعات پیش‌بینی نشده است و هر چه انتقاد و پیش‌بینی درباره آن بیشتر باشد، امکان توفیق آن بیشتر است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۷۶).

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

برای مطبوعات سه وظیفه عمده قائم: «وظیفه نقد و نظارت، وظیفه اطلاع‌رسانی صادقانه و شفاف، وظیفه طرح و تبادل آراء و افکار در جامعه. معتقدم که آزادی قلم و بیان، حق مسلم مردم و مطبوعات است. در این هم هیچ تردیدی ندارم و این جزو اصول مصرحه قانون اساسی است. معتقدم اگر جامعه‌ای مطبوعات آزاد و دارای رشد و قلم‌های آزاد و فهمیده را از دست بدهد، خیلی چیزهای دیگر را هم از دست خواهد داد. وجود مطبوعات آزاد، یکی از نشانه‌های رشد یک ملت و حقیقتاً خودش هم مایه رشد است؛ یعنی از یک طرف رشد و آزادگی ملت، آن‌را به وجود می‌آورد؛ از طرف دیگر، آن‌هم به نوبه خود می‌تواند رشد ملت را افزایش دهد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22371>).

ایشان در بیانی دیگر در دیدار دانشگاهیان سمنان فرمودند:

عزم یکایک افراد در حد خودشان در مسائل شخصی و اجتماعی تأثیرگذار است. عزم انسان به جهت وقوع تحولات صحیح در اجتماع و عدم ایجاد هرج‌ومرج و بی‌ثباتی، به حفظ اصول و حفظ هویت جمعی یک ملت نیازمند است. همچنین در کنار حفظ اصول، پویایی، نشاط، برخورداری از آزادی، تحرک و روح رقابت در میان جمع، لازم و ضروری است که باید مورد اهمیت قرار بگیرد. لازمه این نشاط و پویایی این است که با حفظ اصول، در فروعاتی که مشکل داریم، هم منتقد باشیم، هم انتقادپذیر. در این صورت است که زمینه عزتمندی و سعادت برای جامعه فراهم خواهد شد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3362>).

۳.۴. تبیین حقایق، روشن شدن اذهان، ایجاد احساس هویت در مردم و پاسخ‌گو شدن مسئولین. یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقایق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی. این‌ها مضر است. جناح و این‌ها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند؛ همین‌که حالا امروز به آن جنگ روانی می‌گویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه‌هایش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه می‌کند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسان‌تر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی



بگویند، سوءظنی یک‌جا پیدا کنید، وارد شدن سوءظن به ذهن آسان است؛ اما پاک کردنش از ذهن سخت است؛ لذا آن‌ها شبهه‌افکنی می‌کردند، سوءظن را وارد می‌کردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی می‌رفت و همین‌طور این گروه‌هایی را که - به تعبیر امروز، گردان‌ها یا تیپ‌های جداگدای از هم - بودند، به هرکدام می‌رسید، در مقابل آن‌ها می‌ایستاد و همچون مبلّنی برای آن‌ها صحبت می‌کرد؛ حقایقی را برای آن‌ها روشن می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت. یک‌جا می‌دید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگویم تو ای آن‌ها هست، خودش را به سرعت آنجا می‌رساند و برایشان حرف می‌زد، صحبت می‌کرد؛ تبیین می‌کرد؛ این گره‌ها را باز می‌کرد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7770>).

مقام معظم رهبری بعد از مناظرات تلویزیونی کاندیدای ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در خطبهٔ دوم نماز جمعهٔ تهران در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۹ بعد از ذکر این مطلب که این نامزدها از درون نظام بودند هرچند باهم اختلافاتی داشتند، ضمن بیان جنبه‌های منفی مناظرات به ذکر نقاط مثبت آن پرداخته و مجبور شدن مسئولین در پاسخ‌گویی و دفاع از خود و قرار گرفتن مواضع آن‌ها در برابر دید مردم را که روشن شدن و پرورش اذهان مردم و آسان نمودن قضاوت را برای آن‌ها به همراه داشت، از نتایج آن انتقادات معرفی کردند:

آن جهت مثبت، این بود که ... یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخ‌گویی کنند ... مواضع افراد و مواضع گروه‌ها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گویی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ ... این‌ها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند... این‌جور مباحثات و گفتگوها، ذهن‌ها را پرورش می‌دهد، قدرت انتخاب را بالا می‌برد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7190>).

ایشان دربارهٔ لزوم وجود منتقدین و ارتباط آن با عملکرد بهتر مسئولین می‌فرمایند: اشکالی ندارد که مسئولان کشور، متولیان امور کشور، منتقدینی داشته باشند که ضعف‌های آن‌ها را به خود آن‌ها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار می‌کند. این‌جور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضر نیست؛ نظام هم مطلقاً با یک چنین مخالفتی برخورد نمی‌کند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3355>).

در نظام اسلامی علاوه بر التزام عملی به احکام شرع و رعایت تقوا که لازمه کارگزاری حکومت اسلامی است، لازم است که آن‌ها در قبال کارهای خود پاسخ‌گو باشند. دلایل متعددی از جمله وجود احتمال خطا، پیش‌گیری از فساد مدیران، احقاق حقوق شهروندان و ... برای این امر ذکر شده است؛ یکی از مباحثی که می‌تواند نقش بسیار عمده‌ای در این امر ایفاء کند، انتقاد سازنده هست؛ چراکه می‌تواند از اشتباهات، خطاها و فسادهای احتمالی جلوگیری کند. مقام معظم رهبری درباره نقش انتقاد در پاسخگویی مسئولین چنین می‌فرمایند:

هیچ دستگاهی نباید خود را از انتقاد و نقد مصون و از عیب خالی بداند؛ همه دستگاه‌های کشور باید مورد نقد منصفانه قرار بگیرند و همه در جهت اهداف نظام و در چهارچوب آن، رفتار خود را اصلاح کنند. دولت، مجلس، قوه قضاییه و سایر دستگاه‌هایی که در کشور هستند و مسؤولیت‌های مهمی بر دوش آن‌هاست، همه مشمول این قاعده کلی هستند؛ نقد، اصلاح و پاسخگویی. این، معنای حقیقی اصلاح نظام موردنظر اسلام است که «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»؛ پیغمبران این را می‌فرمودند. همه کار پیغمبران عبارت بود از این که تا می‌توانند اصلاح کنند؛ یعنی فساد را در کشور از بین ببرند؛ این معنای اصلاح واقعی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3227>).

## نتیجه‌گیری

از مطالب پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت:

با توجه به آنچه گفته شد، یکی از عوامل مهم تغییر و تحول در تمام عرصه‌های زندگی این است که انسان در معرض انتقاد سازنده دیگران قرار بگیرد و از نکات اصلاحی آن‌ها استفاده کند. انتقاد سازنده در گفتمان امام خامنه‌ای عبارت است از ارائه نقاط مشکل و راه‌حل آن نقاط و فهرست کردن نقاط مثبت و منفی و تبدیل منفی‌ها به مثبت‌ها است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری انتقادات همیشه به یک صورت نیست؛ برخی از آن‌ها به هدف تخریب و برخی به هدف اصلاح انجام می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان انتقاد را از جهت نیت انتقادکننده و همچنین نتیجه‌ای که به همراه دارد به دودسته سازنده و تخریبی تقسیم کرد.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری، انتقاد سازنده به معنای واقعی کلمه در صورتی محقق می‌شود که ضوابط و اصول اخلاقی، رعایت و با در نظر گرفتن مصالح افراد و جامعه و درک

صحیح اقتضائات انجام شود و همچنین انتقاد باید از کار افراد و به صورت تذکر به جهت رفع ضعف به نیت دست‌گیری باشد؛ نه این‌که شخصیت افراد زیر سؤال رود؛ در غیر این صورت انتقاد هم خلاف شرع و هم خلاف عقل و هم خلاف عقل سیاسی خواهد بود. انتقاد بدون در نظر گرفتن این اصول، باعث آشفته شدن فضا و به هم ریختگی اعصاب آرام اجتماع و در نتیجه تفرقه و از بین رفتن اتحاد در جامعه اسلامی می‌شود.

انتقاد سازنده از دیدگاه مقام معظم رهبری دارای آثار فراوانی است؛ چراکه انسان به دلایل گوناگون در وادی نفسانیات غرق می‌شود و متوجه گمراهی خود هم نیست. اینجا است که انتقاد سازنده به‌عنوان تذکر به سراغ انسان می‌آید و او را متوجه راه و بیراهه کرده و انسان را از آن بیرون می‌آورد. بر این اساس می‌توان گفت انتقاد، عاملی مؤثر برای مهار نفس و دوری از خودشیفتگی است و اصلاحی پیش برنده و بالنده به سمت جامعۀ مطلوب است، همچنین انتقاد موجب می‌شود تا اشخاص دیدگاه‌ها و نظرات خویش را مطرح سازند؛ طرح مسئله و دست‌یابی به دیدگاه‌ها می‌تواند افزون بر بهره‌گیری از آن‌ها در عمل، ابهامات کار را نیز برطرف و باعث افزایش ضریب امنیت ملی، اجتماعی و شهروندی شود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمدبن علی (۱۳۷۹ ق)، *مناقب آل ابی طالب* علیه السلام، چاپ دوم، قم: انتشارات علامه.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹)، *لبیر الیسم و محافظه کاری*، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۸۸)، *تحف العقول*، تحقیق صادق حسن‌زاده، چاپ پنجم، قم: آل علی.
- حکیمی، محمدرضا، علی و محمد (۱۳۸۰)، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ ششم، دمشق: دار العلم الشّامیة.
  - شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۸)، *ترجمه نهج البلاغه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
  - طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  - طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
  - فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، *العین*، چاپ دوم. قم: هجرت.
  - فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۲ ق)، *المحجّة البیضاء فی تهذیب الأَحیاء*، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  - قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، چاپ دوم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
  - قوجیل، محمد علی نوح (۱۳۸۰)، *اصول الجدل و آداب المحاجه فی القرآن الکریم*، چاپ اول، لیبی: انتشارات جمعیه الدعوة الاسلامیة العالمیة.
  - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامی.
  - مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
  - محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵)، *میزان الحکمة*، چاپ دوم، قم: دار الحدیث.
  - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
  - معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، چاپ دوم. تهران: انتشارات زرین.
- <http://farsi.khamenei.ir>